

تجاوز آشکار پاکستان بر افغانستان

با نظر کوتاهی بر تاریخ پر از فراز و نشیب افغانستان در می یابیم که این خطه ماجرا دیده همواره آماج جهان گشایان و آزمندان تاریخ برای دسترسی به منابع و موقعیت ستراتیژیک و یا توسعه قلمرو های شان قرار گرفته است چه لشکر کشایان قرون وسطی بوده اند و چه استعمار گران قرن نوزده و یا استعمار نوین. ولی همواره این ملت جفا دیده بوده است که از تمامیت ارضی و نوامیس ملی و استقلال خود دفاع کرده و درس دندان شکنی به هر استعمارگر و اشغالگر داده است. ملت افغانستان در عین زمان در درازنای تاریخ ثابت ساخته است که در دوستی خود وفادار و با دوستان و آنانیکه دست اخوت و همنوائی دراز کرده اند با دیده قدر نگریسته و دوستی بی شائبه و بلا قید و شرط را با جبین باز پذیرفته است. ملت افغانستان مجموعه ای از اقوام و قبایل و عشایر و از هر تبار که بوده است پاسدار راستین فرهنگ و هویت ملی خود بوده و هر زمانیکه این خطه مورد تهاجم و یا تجاوز بیگانه حریص قرار گرفته در یک صف واحد از منافع ملی و تمامیت ارضی خود دلیرانه دفاع کرده و جواب دندان شکن به تجاوزگران داده است که تاریخ پر تلاطم گواه آنست.

ولی جای تعجب است که آزمندان و دیکتاتوران از گذشت زمان و تاریخ درس عبرتی نمی گیرند ما حتی در زمان خویش و در همین زندگی زود گذر و کوتاه خویش هرگاه و بیگاه شاهد سقوط دیکتاتوران و در عین زمان ظهور دیکتاتوران دیگری هستیم. فقط با یک دید زود گذر می بینیم که در هر قاره جهان دیکتاتوری ها به زیاله دان تاریخ سپرده میشوند ولی دیکتاتور دیگری سر بلند میکند و فکر میکند که آنچه به دیگران اتفاق افتاد سر راه او قرار خواهد گرفت. در همین دهه و سالهای اخیر ما شاهد سقوط دیکتاتوری هایی در سوئدان/ مصر و سایر مناطق بوده ایم در حالیکه در لیبیا و سوریه و یمن و بحرین افول دیکتاتوری های دیگر هر روز نزدیکتر شده میروند. دیکتاتوری ها هم انواع و اقسام گوناگون دارد: نظامی/ سیاسی/ مذهبی و انواع دیگری که امید است آگاهان سیاسی و متخصصین سیاست درین باره روشنی اندازند.

و اما بر گردیم به موضوع اساسی این نوشته که ملت ستم دیده افغانستان باز هم قربانی میدهد و باز هم هدف تهاجم و تجاوز قرار گرفته است و این بار مستقیماً از جانب همسایه ای که عمر ایجاد مصنوعی آن از عمر اکثریت ملت افغانستان کمتر است. (ولی ای همسایه ناسپاس این جرئت را از کجا بدست آورده است)

سر بوالهوس بلند است به مقام دعوی عشق
مگر از دکان قصاب جگری خریده باشد

دلیل عمده تجاوزات مستقیم پاکستان بر افغانستان ضعف اداره/ عدم قاطعیت در دفاع از تمامیت ارضی و منافع ملی و سیاست تسلیم طلبانه زامداران کابل مخصوصاً در رابطه با سیاست خارجی و روش در برابر تجاوز گری های همسایه ها بوده است. بر طبق گزارشهایی که نشر شده و همچنان از گواهی دادن های وزرای خارجه و داخله افغانستان در ولسی جرگه در هفته های اخیر/ بیش از چهار صد راکت بر خاک افغانستان از جانب پاکستان شلیک شده و بیش از پنجاه افغان بیگناه شامل زنان و کودکان افغان جان های شیرین شانرا از دست داده اند و آقای کرزی فقط با قرض گرفتن جگری توانسته از موضوع به اشفاق کیانی رئیس تام الاختیار نظامی پاکستان و دوست هم صفتش آصف علی زرداری رئیس اداره اسلام آباد یاد آوری کند که هر دو اظهار بی خبری! کرده اند که شباهت زیادی به بی خبری آنها از اقامت پنج ساله بن لادن در همسایگی اکادمی نظامی پاکستان در ابیت آباد دارد و گفته اند که موضوع را تحقیق خواهند کرد. پارلمان افغانستان هم بعد از آنکه از کشمکش ها با محکمه اختصاصی روی اخراج شصت و دو عضو پارلمان بدلیل تقلب در انتخابات پارلمانی نفس براحتی کشید به رسیدگی به تجاوز پاکستان پرداخت و آنرا تقبیح کرد. این اقدام پارلمان افغانستان بسنده به نظر نمی رسد و انتظار عکس العمل شدید تری از آن میرفت. اعضای پارلمان بحیث نمایندگان مردم افغانستان باید فشار بیشتری بر حکومت وارد نمایند تا با جلب حمایت ائتلاف بین المللی موقف سر سخنانه تر و عکس العمل شدید تری در برابر این تجاوزات نشان دهد.

افغانستان در مرحله حساس تاریخ خود قرار دارد و درین برهه به یک اداره با اراده و صادق به منافع ملی و متعهد به دفاع از تمامیت ارضی افغانستان نیاز دارد. هر زمانیکه افغانستان مورد تهاجم مستقیم و آشکاری چون تجاوزات اخیر پاکستان قرار گرفته و یا خطر تجاوز میرفته است / ملت افغانستان بپا خاسته و از منافع و تمامیت ارضی خود

دفاع کرده است البته به هدایت و رهبری ملی که اعتماد و وفاداری ملت را با خود داشته است که مثال بارز آن امر سفر بری سال ۱۳۲۸ هجری شمسی در زمان صدارت شهید محمد داود بود.

تجاوزات آشکار پاکستان دلیل دیگری هم داشته می‌تواند. پاکستان از یک جانب طالبان را تجهیز/تمویل و تربیه میکند تا فشار نظامی بیشتری بر حکومت کابل و متحدین بین‌المللی برای کسب امتیازاتی در مذاکرات برای مصالحه وارد نماید و دست نشانده‌گانش را در دستگاه اداری افغانستان در آینده جای دهد و از جانب دیگر تلاش دارد مانع امضای پیمان ستراتیژیک بین افغانستان و ایالات متحده گردد زیرا با امضا و انفاذ چنین پیمانی دست پاکستان کوتاه خواهد شد و دیگر نخواهد توانست امیال آزمندانه اش را در افغانستان در آینده بر آورده سازد. امضای پیمان ستراتیژیک بین افغانستان و ایالات متحده همچنان مغایر پالیسی عمق ستراتیژیکی است که جنرال ضیاالحق آنرا طرح کرد. بر اساس همین عمق ستراتیژیک بود که اردوی افغانستان پس از سقوط حکومت نجیب / توسط رهبران جهادی که حکومت شانرا نواز شریف صدراعظم پاکستان تشکیل داد و بکابل فرستاد/ منحل ساخته شد. یک افغانستان فاقد اردو و قوای امنیتی مؤثر نه تنها به نفع پاکستان بلکه از سائر همسایگان افغانستان و آنانیکه به نحوی از انحا چشم طمع بسوی افغانستان نظر به موقعیت ستراتیژیک آن دارند خواهد بود.

با عدم موجودیت چنین پیمانی هیچ کشور دیگری بشمول آنانیکه امروز بحیث اعضای ائتلاف مبارزه علیه دهشت افگنی در افغانستان حضور دارند/ مکلفیت قانونی و اخلاقی احساس نخواهند کرد که هم در مقابل تجاوز خارجی به جنگند و هم با دهشت افگنان و مخالفین حکومت کابل در نبرد باشند/ اما این انتظار از آنها می‌رود که بر پاکستان فشار آورند که دست از مداخلات مسلحانه و تجاوز بر حریم افغانستان برداشته و از تشدید تشنج و باز کردن جبهه دیگری امتناع ورزد.

پاکستان که با استفاده از بی‌نظمی‌ها و جنگ‌های داخلی قدرت طلبی در زمان حکومت تنظیمی در کابل/ توانست جنبش طالبان را تشکیل/ تجهیز و تمویل نماید و آنرا در کابل به قدرت برساند و بقول احمد رشید ژورنالیست پاکستانی در "سقوط در هرج و مرج" بر عربستان سعودی و اتحادیه امارات عربی فشار آورد که حکومت طالبان را برسمیت بشناسند/ درک میکند که "آن قدح بشکست و آن ساقی نماند" و راه دیگری را باید در پیش گرفت و بجای آنکه صادقانه در صف مبارزه با دهشت افگنی قرار بگیرد و با این بلای خانمان سوز به پیوندد / بر وارد کردن فشار نظامی و تشویق تخریب‌گران و شورشیان توسل جسته و راه ترکستان را در پیش گرفته است و در نتیجه بسوی چاهی رهسپار است که برای دیگران حفر کرده بود و روزی نیست که از انفجار بمی و حمله انتحاری در پاکستان خبری نشنویم که باز هم مردم بیگناه آن دیار هستند که قربانی پلان‌گزارای‌های نا عاقبت اندیشانه دست‌گامه خود شان می‌گردند که چه درد آور است برای آن ملت/ دردی که مردم افغانستان آنرا با پوست و استخوان احساس میکنند. نفع پاکستان و همه همسایگان افغانستان در یک افغانستان با صلح و ثبات است نه یک افغانستان نا آرام و درگیر جنگ و بی‌ثباتی. این کشورها می‌توانند با استفاده از موقعیت ستراتیژیک افغانستان که بحیث یک حلقه اتصال بین جنوب آسیا و آسیای میانه است نفع اقتصادی و سیاسی و آفری ببرند فقط یک مثال کوچک از تجارت پاکستان با افغانستان کافی است که مطلب را افاده نماید. در جریان حکومت دست‌نشانده خودش/ طالبان/ تجارت پاکستان با افغانستان سالانه یک میلیون دالر بود حالا به سه میلیارد دالر میرسد همچنین از ایران که سالانه صادرات آن به افغانستان به سه میلیارد دالر میرسد.

پایان